



اسناد و نامہ



پڑوش گاہ علوم انسانی
رتال جامع علوم

مجید برہیکار تاریخ در ہر شمارہ، چند سند و نامہ از
اسناد و نامہ ہر تاریخ کہ پیش از این در جہ چاپ نشدہ باشد
بچاپ پیرسانہ تارفتہ رفتہ مدد رک و اسناد پرانگنہ تاریخ ایران
جمع آرد و در ہر ہستفادہ پڑوش گاہ گمان آگاہہ گردد.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چندسند

درباره روابط سیاسی ایران و فرانسه در دوره قاجاریه

از

از خانبا بایانی استاد و نگاه تهران
دکتر دریانخ

- ۱ -

نامه فتحعلیشاه به ناپلئون^۱

«آغاز نامه نام خداوندیست که نیستی را بساحت هستیش راه نیست و در نیستی هیچ هستیش حاجت لشکر و سپاه هر که بی‌یاد اوست بر باد است و هر چه بی‌داد اوست بیداد. پیغمبران پیش را بگونه گونه کیش برای آزمایش فرستاد و خسروان معدلت اندیش را بجهت آسایش خلق خویش اسباب توانائی و گشایش. بررأی مهرضیای شهریار بختیار کامکار تاجدار، خدیو ملک آرای کشور گشای، قیلقوس عزم، اسکندر رزم، حقیوق حقوق، عیوق منجوق، دانیال دانش، مسیح بینش، ظفر مندعدوبند، برق سمند مجرد کمند، اثیر خاصیت صبا نهضت آب آهنگ زمین درنگ مؤسس اساس دشمن شکنی و جهان ستانی، مهندس بنای مردافکنی و مرزبانی، شیرازه بندتوریة الفت، زیب بخش صلیب مواحدت، پادشاه سپهر گاه بلندجاه قوی دستگاه، برادر محبت پرور مودت شیم ایمپراطور اعظم، ملک ملک

۱ - اصل نامه در جلد ۱۷ برگ ۵۹ اسناد و مکاتبات سیاسی ایران در بایگانی وزارت خارجه فرانسه ضبط است.

ایطالیه مالک ممالک فرانسه عالییه که پیوسته دوستانش را نصرت و فیروزی روزی باد محجوب و پوشیده نماناد که اکنون بخواسته خداوند بیچون پایه اتحاد و یگانگی این دو دولت روز اف-زون بعدی استحکام یافته که تا زمین را قرار است از تصاریف روز کار بهیچگونه خلل نپذیرد و بر تو مهر بانی و داد از دو جانب بر نهانخانه فواد چنان تافته که تا آسمانرا مداراست از ترا کم غمام فتنه و فساد و اغیار غبار نگیرد، بساط نشاط آمیز بزم وفا بلندتر از آنست که شورانگیزان را بدان دستی رسد و ساغر نشاط انگیز صهای صدق و صفا کرا نتر از آنکه از سبکسران بران شکستی رود و از این روی پیوسته خاطر بهانه جوی در انتظار و وصول اخبار فتوحات آن برادر کامکار و بهنگام رسیدن سفرای پیام گزار از مردهای نو خرمیهای تازه در دل پدیدار است تا درین اوقات دلگشا تر از بهار نخستین نامه موافقت نگار مصحوب فرستاده فرزانه هوشیار موسی لابلان^۱ از زیب محفل دوستی گردیده و از سفارشات دوستانه و نوید فتوحات آن یگانه زمان پیمان محبت را مشید مبانى و پیمانۀ الفت را مالامال باد شادمانی گردانید و مقارن این حالات که عقاب شکار انداز رایات ظفر آیات را در فضای دلکشای چمن سلطانیه هنگام پرواز و قباب آفتاب تاب جام فیروزی فرجام باقیه مهر و ماه انباز بود سفیر نیکو تقریر دوم دانشمند سخندان موسی اوغوست بنطان^۲ برسید و نامه نامی ثانی را که رشک نگار نامی بود بر سانید و بدست آمدن غنایم بی اندازه و عراده های توپ و شکست سپاه روس و اضافت مملکت پروسیه و غیر آن از ولایات روسیه بر ملک محروس و رسیدن فرستاده دانشور موسی ژوبر^۳ و رسانیدن پیغام و خبر و وصول عالیجاه رفیع جایگاه عمده الاعاظم میرزا محمد رضا بسر حد حضور آن برادر دوستی دستور و شمول لوازم احترام و مهر بانی از جانب خیر جوانب بسفیر مزبور بوستان خاطر خلعت سر ایر چندان شکفته و خندان گشت که بتوالی خزان دم سرد افسردگی بدان راه نیابد و ارکان مصداقت

de Lablanche - ۱

August Bontemps - ۲

Jaubert - ۳

مجدداً چنان مؤکد شد که بتغییرات زمان رخنه در آن پدید نکرده و چون از نهایت یکدلی و اتحاد همیشه مکنون فواد آنست که بادوستان آن برادر کامران متحد و متحالف و بادشمنان ایشان متضاد و متخالف باشیم همچنانکه آن شهریار نیکوکار را با پادشاه سپهر بارگاه خورشید گاه جمشید جاه آل عثمان رابطه موالات قرین استحکام است مارا نیز با آن دولت علیه موافقت و مطابقت تمام در مختصمت و مدافعت روس کمال جد و اهتمام است و بیاری آفریننده مهر و ماه درین اوقات فرخنده آیات که با سپاه افزونتر از اختر سوزنده تر از اختر و توپخانه قیامت تراز تختگاه خلافت نهضت روی داده فرزندان رجمند آزاده، فروزنده اختر برج سعادت، تابنده گوهر درج جلال، نایب السلطنه العلیه السنیه عباس میرزا را که بمرزبانی ممالک آذربایجان و ارمن موسوم است مأمور داشته ایم که از سه جانب قفلیس و دربند و داغستان همت بردفع روس گماشته از هر طرف بیست هزار لشکر رستخیز آشوب و عراده های توب کوه کوب عنان به تخلیص گرجستان و دربند و غیره گشاده و بزم ثابت روی بحدود حاجی ترخان و قیزلار نهاده و سپاه فیروز را اجازت تخریب و غارت آن دیار داده باشد و از بس شوق خاطر و رغبت ضمیر بمزد های دلپذیر فتح و نصرت آن برادر کامکار و غلبه بر دشمن زشت کردار در این اوان که جواب نامهای شهریار مودت آداب نکاشته خامه محبت ترجمان گردیده فرستاده کار آگاه موسی لابلانش را با اردوی فلک پوی همراه و سفیر سخندان موسی اوغوست بنطان را روانه فرزندان رجمند کامران نمودیم که از آنجا به پیشگاه حضور شتابد و گمان آن بود که دیرتر بار حضور آن برادر مهر گستر یابد و اخبار مسرت بار ظفر و فیروزی ایشان بجانب دوستان بعلت دوری دیار دیر آید عجالتاً این نامه رقم و خامه راستی ختامه شده نزد فرزند مشارالیه ارسال گردید که مصحوب مسرعان تندروتر از پیک ماه نو در دارالخلافة اسلامبول بدست کیاست و فراست دستگاه مصلحت گزار آن پادشاه دشمن گاه سپارد و او نیز رسانیدن آنرا ببزم حضور لازم شمارد تا در هر دوسه ماه بلکه زودتر خیرهای غلبه و ظفر آن برادر نامور بجانب ما رسد و موجب خشنودی و شادی بیمنتها شود

و معلوم است که نظر باتحاد و بیگانگی و موافقت دلو زبان هر چه از آنجانب خبرهای دلپذیر و مزده های فرخ فرا زودتر و بیشتر و متواتر آید سرور خاطر دوستان منتظر افزونتر خواهد بود. از نهایت عنایت کردگار امیدوار است که قاهنگام استیلا بر ممالک روس و تختگاه آن گروه و معاودت عالیجاه عزت پناه سفیر کار آگاه میرزا محمد رضا و ابلاغ اخبار فتح و ظفر آن برادر تاجور، سپاه فیروزمند ما نیز ولایات گرجستان و دربند و ارمن و ممالک دیگر را مستخلص و مسخر و حدود حاجی قرخان و قیزلار را با خاک برابر کرده از هر دو طرف بشارت فیروزی و نصرت باشارت پیک و ناهه بیکدیگر رسیده باشد. از آنجا که خاطر شوقمند راغب بزود رسیدن سفرا و مکتوبات است بعد از این بتراذف و توالی دوستان را از چگونگی وقایع مطلع سازند که بوسیله آگاهی از قصد و عزیمت بیکدیگر موافق مصلحت ریشه درخت بدثمر دشمنان باسانی منقطع گردد و بند گمان دادار و او را از ثمر این کار نیکو ممتنع شوند و نام نیک ازین دو دولت پایدار در جهان یادگار ماند و پیوسته مرجوعات این محدود را بمقام نگارش در آورند و بیگانگی و مغایرت بهیچوجه روا ندارند و دو مملکت را یکی شمارند. همواره کو کب بخت بلند روشن باد و آفت افولش مرساد.»

بتاریخ اواسط ماه ربیع الاخر سنه ۱۲۲۲
هجرت مطابق سنه ۱۷۰۸ میلاد عیسوی
سال فرخنده سال یازدهم جلوس میمنت
مقرون در دارالانشای دیوان سمت نگارش
یافت. والسلام

« محل مهر فتحعلی شاه »

Handwritten text in a historical document, likely a letter or official record, written in a cursive script. The text is arranged in approximately 25 horizontal lines. The document is framed by a decorative border on the right side, featuring a repeating geometric pattern. The ink is dark, and the paper shows signs of age and wear, including some staining and a dark smudge at the bottom left corner.

شماره ۱ - نامه فتحعلیشاه به ناپلئون به تاریخ ۱۸۰۷ - برگ ۵۹
کتاب ۱۷ ایران - بایگانی وزارت خارجه فرانسه

نامه فتحعلیشاه به ناپلئون^۱

چندانکه سفینه گردون گردان لشکر افکن به عار عالم امکان و سواحل مستقیمه المراحل دوران دارالقرار کشتی نشینان جهان کون و مکان است سفاین وجود معرکه آرای عرصه شهادت و هنگامه سرای مضار بسالت، ناظم مناظم ملک و مملکت، متمم امور شوکت و دولت، جوهر شمشیر جلالت و خصم افکنی، عنوان جریده دانشمندی و فرز انگی، لشکر کشتی عزت اقبال، ناخدای دریای حشمت و جلال، زبده دانش پژوهان عدالت گستر، عمده خسر دمندان ملک پرور، مقوم قوایم محبت ابد تأسیس بونی قارت و سرهنگان جلیل الشان ممالک فسیح المسالك فرانسیس شیدالله ارکان جلالهم از امتهم کامیابی و حصول مرام گران بار و از تراکم تهاجم امواج حادثات بر کنار باد. بعد از تأکید میانی ایتلاف و استیناس بر مرآت خاطر مهر اقتباس عکس پیرا میسازد که چون فرمانفرمای ملک روس رسم تو دودو مصافات را که در صحیفه عوالم امکان نقشی شریف تر از آن مندرج نیست نسبت بسلاطین اکثری از ممالک متروک و بعدم صواب اندیشی و ملاحظه و خامت عاقبت طریق معاندت و مشاجرت را با هر یک از فرمانروایان ولایات قرب جوار مسلوك داشته و درین سال بانندیشه آنکه ایـدی تطاول بسرحدات ممالک ایران دراز و ابواب استیلا درین محدود بر چهره خود باز دارد غافل از اینکه صعوه را در آشیانه شاهباز آغاز تمکن ممتنع الوقوع و آسایش

۱- جلد ۱۸، برگ ۱۰۳- اسناد و مکاتبات سیاسی ایران در بایگانی وزارت خارجه فرانسه

غزال در کنار شیرزیان مستغرب و ممنوع است سپهبدی را با معادل چهل هزار لشکر و دو بیست عراده توپ و آلات حرب بتملیک ولایات ایروان که از ملحقات مملکت آذربایجان و از ولایات مضبوطه سرکار خلافت بنیان است مأمور و لوای عزیمت بجانب این ثغور افراخته اند ، چون صورت این وقایع در آئینه ظهور انطباق پذیرد و مسموع سمع کاربرد ازان دولت عدالت سمیر گردید که سپهبد مذکور با جنود خویش آغاز مداخلت در این حدود نموده و ابواب تطاول و دراز دستی بر چهره حال اهالی آنجا گشوده است مواکب قیامت آشوب و الویه نصرت اسلوب بدون اینکه با اجتماع مجامع لشکر ممالک یا دشاهی پردازد و یا سرهنگان و جنگجویان ولایات محروسه خسروانی را قرین آگاهی سازد با اجناد فتح اعتیاد که در رکاب مستطاب مستعد و موجود بودند بمداغه و منازعه آن طایفه ضاله عزیمت پیرا گشتند ، در زمان تقارب فتنین و تقابل جانبین نواثر جدال اشتعال پذیرفته عساگر بهرام کین و جنود ظفر آئین با تیغ و سمصام جانستان و سنان و خنجر خونفشان بر لشکر روس متهاجم و حمله ور و از زمان طلوع نیر جهان افروز تا هنگام افول و غروب در آنروز بسفک دماء و قطع اعضاء و بریدن رؤس و دریدن صدور و قمع و بنیان هستی آن گروه ضلالت دستور قیام و اقدام نموده مساوی دوازده هزار نفر از معاندین مزبورین را روانه عدم و خاک معر که را با خون ایشان آغشته و توأم ساخته اکثری از توپخانه و ادوات طعن و ضرب ایشان متصرف فیه لشکر تصرف توأمان گردید ، سپهبد مذکور باقیة السیف عساگر خود چون خویش را مستغرق بحر بلا و فنا مشاهده و نایره سطوت و صلابت غازیان فیروز را جهانسوز ملاحظه نمودند از معر که کیر و دار فرار و گریزان روی بجانب دیار ادبار خود نهادند و عساگر نصرت متظاهر تا حدود گرجستان علی- التعاقب بقتل آن گروه پرداخته و ساحات این سرحدات را از لوث وجود ایشان پاک و مصفی ساختند و مواکب جهانگشا از فضل ایزد بیهمتا ظفر مند و نصرت اندوز بمستقر خلافت کبری منصور گردید . از اینکه عسکر زوس در حدود مملکت محروسه سلطانی دست هدم و ویرانی گشوده اند و پیشنهاد همت آسمان نهمت آن است که سنه آتیه با لشکری انجم احتشام و معشری

مالا کلام بعزم تلافی و انتقام بجانب ملک روس انتهاز و ولایات قزلر و آن نواحی را عرصه قتل و تاراج ساخته الویه و استیلا و استعلا در آن حدود بر افرازیم و فرمان فرمای ملک مزبور از قراریکه از مطلعین و مترددین استماع می افتد باهالی مملکت فرانسیس در مقام ستیزه جوئی و عناد و منازع و جدال انگیز با آندولت قوی بنیاد می باشد و مکنون خاطر اشرف آن است کهه بنیان اتحاد و موافقت بین الدولتین قرین استدمات و استقرار و این رسم الفت و مواحدت مؤبد و مخلدا بین الجانبین مستحکم و بر قرار باشد. بناء علی هذه المراتب رقم نگار خامه التفات ختامه میگردد که در فصل بهار که موکب جهانگشا و اعلام آسمان فرسا بجانب مملکت روس نهضت پیرا میگردد آن مؤسس اساس دولت و حکمرانی نیز از طرفی کهه معبر و مسلک عسکر مملکت فرانسیس است لشکری گران و سپاهی بیکران تمیین و عازم آن سرزمین سازند که از اینجانب جنود انجم حشر پادشاهی و از آنطرف اخبار ظفر پرور آن مملکت پناهی آغاز مداخلت بملک روس نموده کوس و نای رعد آوای کینه خواهی و انتقام را در ساحات آنصفحات بلند آوا و فتنه جویان آن دیار راقرین انواع استهلاک و فنا سازیم و بطریقی که باید و شاید بانهدام و انهدام آن مملکت پردازیم که بعد از این در اعوام عدیده فرمان فرمای آنجا باینگونه اعمال ناپسندیده جسارت پیرا نگردد و قدم از مراحل که پایه و مراتب اوست خارج نکندارد شرایط و مراسم ایتراف و موآلفت و ضوابط قواعد استیناس و مرابطت مقتضی و مستلزم آن است که همه اوقات بمقالید مکاتیب مودت اصالت دوستانه ابواب مصافحات و موالات را در میانه باز و تقدیم رسوم موافقت و مطابقت را آغاز نموده بدستیاری خامه موآلفت نگار مطالب و مهمات را بر صفایح ابراز و اظهار موضوع و مشروح سازند. باقی روز کار حکمرانی بر وفق آمال امانی باد.

نامه فتحعلیشاه به ناپلئون^۱

خداوندی را بنده‌ایم و کسردگاری را پرستنده که بی سزا نبخشد و سزائی هم او نبخشد، گل از گل آورد و مهر از دل. آرایش بوستان از چهره کله‌ها دهد و آسایش دوستان از مهر دلها. بلیان را با هزارستان در پیشگاه دستان شاخ کاشف اسرار باغ سازد و بریدان را بی هیچ‌دستان ولاغ از بی داستان همدستی دوستان واسطه ابلاغ و پس از نیایش یزدان پساک درودما بر پیام‌آوران نیکو نهاد و رهبران مبدء و معاد و از آن پس سلامتی دوستانه و تحیتی بیکرانه نثارانجمن حضور آفتاب ظهور آن مهین خسرویگانه، شهریار کامکار نامدار، خدیو جود کستر عدل‌شمار، کرم پرور بیدریغ، خداوند نکین و تیغ، نیروی دست‌جهان‌گیری، قوت بازوی دلیری، همایون نوای‌نای ملکستانی و کشور‌کشائی، برتر آوازه صیت گیتی‌خدائی، پادشاه ذی‌جاه سپهر دستگاه، برادر معظم مکرم امپراطور اعظم اکرم، شهریار ممالک فرانسه و ایتالیا، لازال رایات اقباله، معروفه بالعز والنصر و قصور اجلاله مصروفه عن‌الکسر والقصر ساخته مکشوف رأی ملک‌مهر ضیای گرامی میدارد که نامهای دوستانه آن برادر نامدار یگانه در فرخ‌ترین اوان و نیکوترین زمان بدیده یکجهمتی و دوستی ملحوظ و از شهود و مضامین محبت‌آئینش که حاکی فتوحات عظیمه برای اولیای خجسته دولت قویم بوده بغایت مبتهج

۱ - جلد ۱۷، برگ ۱۰۶ - اسناد و مکاتبات سیاسی ایران در بایگانی وزارت خارجه فرانسه

و محظوظ گشته و وضوح مراتب یکجبهتی و هواخواهی ما از آن گذشته است که اکنون حاجت شرح و بیان و ذکر و اعلان باشد، بر آن برادر معظم اینمضی پیدا و معلوم شده است مکرر نامهای دوستانه بهمراهی سفرای فرزانه فرستاده مکنون خاطر خود را در مجاری مهمات یکجبهتی و دوستی بر رأی هودت آرای آن برادر مکرم شرح داده ایم و از قراری که این نوبت نامه مکرم آن برادر معظم رسید و از مقصد و مدعای دوستانه، حاوی اشعار و اظهاری نبود چنین نمود که مقاصد و ضمائر ما بر آن خجسته برادر چنانچه مقصود و مراد خاطر دوستی اثر بود هنوز آشکار و ظاهر نگردیده است بنا بر این عالیجاه رفیع جایگاه فطانت و درایت اکتناه صداقت و راستی انقباء عمده الاشیاء موسی ژو آئین را که در اوقات توقف در این حدود در خدمات دوستی و یکجبهتی این دو دولت مسعود لازم کوشش و جهد کرده بود در تفصیل ضمائر و مکنونات خاطر ما آگاهی بهمرسانده روانه خدمت حضرت سپهر بسطت ایمبراطوری نموده بدین نامه دوستی ختامه نیز محرک سلسله یکجبهتی و یگانگی کردیم مشارالیه بعد از شرفیابی دریافت حضور ساطع النور آن فرخنده برادر کامکار نظر بکمال اطلاع و استحضاری که دارد تمامی مهام و امور و جمله مقاصد و مطالب نزدیک و دور را چنانچه باید و شاید حالی و معلوم رأی یکجبهتی اقتضای آن طراز بخش اورنگ ایمبراطوری نماید و چنانچه خاطر دوستی ذخایر ما خواهان و طالب مقتضیات یکجبهتی و دوستی آن برادر والا کهر میباشد از آن جانب نیز آن همایون برادر در مقام اقدام بر شروط و ایفای عهد یگانگی بوده رسوم معاهدات دوستانه را مهمل نگذاشته حال که برادر هواخواهان عایقی و مانعی برای آن برادر کرامی نیست در اتمام مقصود و مهود اهتمامی داشته باشند.

همه روزه منتظر وصول نامهای دوستانه از آن برادر یگانه میباشیم. باقی ایام سلطنت ایمبراطوری مستدام و بردوام باد.

Handwritten text in a rectangular frame, likely a page from a manuscript. The text is written in a cursive script, possibly Persian or Arabic, and is arranged in several lines. A large, faint watermark or decorative element is visible in the center of the page, featuring a circular motif with intricate patterns.

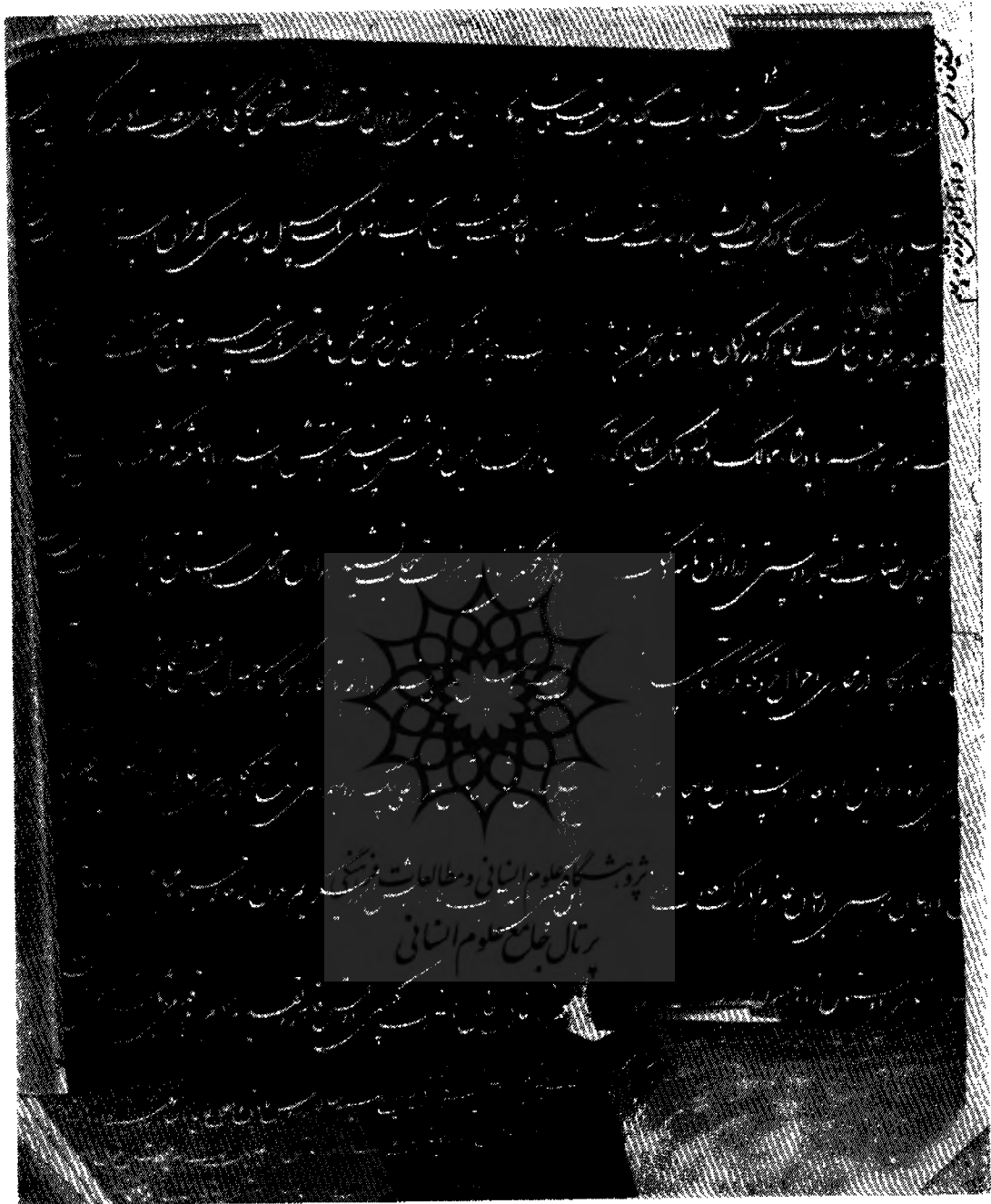
شماره ۳ - نامه فتحعلیشاه به ناپلئون مصحوب ژوانن برگ ۱۰۴ کتاب ۱۷

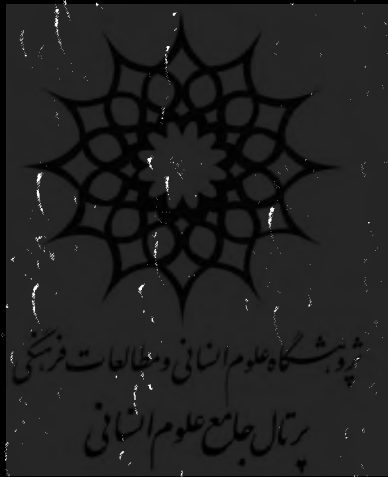
نامه فتحعلیشاه به ناپلئون^۱

نخستین ذکر می که ما یکدلان را سزاوار است سپاس خدا و دیدیست یگانه جل و تعالی شانه که ما را توفیق یکجتهی از دیوان قدرت اوست و شخص یگانگی در ظل وحدت او همه را کفیل است و هونعم الوکیل و از آن پس درود بر پیام آوران و راهبران که از کثرت خویش بروحدت حضرت او دلیلند و با اختلاف شرایع و کتب راهنمای یکسبیل و بعد سلامی که مخزن دوستی را رخشان کوهراست و سپهر یکجتهی را تابان اختر و دعائی که کلفونۀ چهرۀ خلوتیان تمناست و غاژۀ کونۀ پردگیان مدعا نثار انجمن خلد اثر شهر یار مهر نظر سپهر منظر گردون مکنین زمین تمکین مایه عقل و پیرایۀ تاج و تخت موج بحر اجلال، اوج چرخ اقبال، خدیو اکرم افخم ایمبراطور اعظم پادشاه ممالک فرانسه و ملک ایتالیا که قافلک را مدار است و زمین را قرار تختش پاینده و بختش فزاینده باد ساخته مکشوف رأی مهر ضیاء مشهود ضمیر موالفت پیشه، می- دارد که چون نصارت اشجار دوستی از اوراق نامه و کتاب است و در گزار یکجتهی خامه را منزلت سحاب، تشید رسولان در محفل دوستان تغرید بلبلان و ساحت بوستان است و سزاوار ما یکدلان چنان که گاه و بیگاه از مجاری احوال خود یکدیگر را آگاه سازیم و بتحریر مکنونات ضمیر و ارسال سفیری خبیر پردازیم تا کارها بر کار گاه حصول با نقش یگانگی صورت بندد و آرزوها از مهر

۱ - جلد ۱۷، برگ ۶۴. به تاریخ ۲۸ مه ۱۸۰۸ اسناد و مکاتبات سیاسی ایران در بایگانی وزارت خارجه فرانسه

دو جانب بسلك يكجهتی پيوند و از اين راه بعد از فرستادن عاليجاه عمده۔ الخوانين الكبار عسکر خان افشار و عاليشان ميرزا علي بيگ را بهمراهی زبدة الاكابر موسی و غارदान روانه صوب حضور آن خسرو يگانه [داشتم] او کنون که عاليشان زبدة الاعيان موسی بواسان عازم ادراك سعادت حضور بوده از تحرير اين يكجهتی نامه مطلب فكار گزارش امور ميگرديم. بعون الله تعالى سبجانہ مجاری مهمات اين حدود بر وفق مرام خاطر مهرانگيز و ساغر تمنای دوستان از باده حصول لبريز است. عاليجاه مفخر الاشياه جنرال غارदान خان در حضرت يكجهتی دولتين قاهره تقديم مهام را با قدمی ثابت و عزمی استوار است و ديگر افيجالها هريك در ركاب يگانگی شوكتين باهره بانجام کاری سزاوار، پی سپار. در اينوقت يك نفر ايلچی از جانب ينارال قنداو يچ سیه سالار روس باذن و اطلاع پادشاه روسيه وارد اين حدود و كار گزاران ما را باستحضار و صوابديد جنرال غارदान خان با او مقالات و مكالمات اتفاق افتاده جوابی که بدو داديم همين بوده که كفيل هريك از امور ما آن برادر جليل است بهر چه نشان قبول نهد ما را رضایت و بهر چه رضا دهد از جانب ما ممضی، بهر که صلح آرد جنك نجوئيم و هر كجا شتاب آرد درنگ. مارا دل بر هوای اوست و مراد ما رضای او. تفصيل مقالات و جمله مهمات را جنرال مشارالیه علی ماجری لدیه باولایای آن دولت عليه اعلام و اعلان داشته گزارش خطاب و جواب را کماکان نگاشته است. مجعلا بادوست و دشمن قول و پيشه ما همين است و همیشه اندیشه ما چنین. در نيك و بد هر کار آن برادر نيكوسير مختار است و ما را در مطاوی اين مهم چشم بر راه اعلام و اشعار و اين معنی محتاج بتذكار و تکرار نیست پيوند عهد و شرط همان است که بدست يكجهتی و اتحاد بسته ايم و در انتظار نتايج و آثار آن نشسته، هر چه پسند رأی صواب آرای آن پادشاه آگاه است مراد و دلخواه ما است. شايسته رسم محبت و دوستی آنست که اغلب اوقات از ارسال مراسلات يگانگی آیات و ارجاع و انواع مهمات خاطر دوستان را قرين بهجت و شادمانی سازند. باقی ایام سلطنت و فرمانروائی مستدام باد.





جواب فتحعلیشاه به نامه لوئی هجدهم^۱

خدایوفلکجه معظم، دارای خورشید رأی مکرم خسرو قضا عزم قدرهمم، دولت بلند اختر معالی شیم امپراطور معظم مقخم پادشاه ممالک فسیحه المسالک فرانسیس را گوهر وجود جلالت نمود زیب افزای دیهیم منصب و تاجداری و اختر بهت فیروز ضیاء بخشای فلک دولت و شهر یاری باد. مبار کنامه آن دوست خجسته در زمانی بصنوف سرور و بهجت پیوسته، رسید. شمع آن روشنی بخش انجمن محبت و گلبن جنت و زیب افزای چمن یکجهتی گشت. مبار کی جلوس میمون را بتجدید عهد دوستی این در دولت جاوید پرواخته، الفت قدیم این دو شوکت قدیم را شرحی تازه ساخته. قفاضای خاطر دوستی ذخایر و جنایای ضمیر خلت مظاهر را بترسیم مراسم یکجهتی و تبیین مبانی یگانگی در طی آن ظاهر گروه بودند. دل محبت مایل را از تنظیم مهمات آن دولت ابد آیات ابتهاجی کامل شد بی نهایت خرسند و خوشوقت شدیم. مراد و مرابطت و موافقت دولتین علمیتین ایران و فرانسه امر روزی نیست. قواعد الفت و ضوابط محبت از سوائف اعصار فیما بین این دو شوکت پایدار برقرار بوده و تجدید عهد عهداً بعد عهد بر مراسم یکجهتی و دوستی افزوده. دوری مسافت ما بین را تدارک از نزدیکی دلها کرده اند اکنون نیز از هر دو جانب شایسته اینست

۱ - برگ ۲۹ جلد ۱۸ اسناد و مکاتبات ایران در وزارت خارجه فرانسه - در ترجمه فرانسوی این نامه تاریخ آنرا، سال ۱۸۱۵ نوشته اند.

که ابواب مرادوت باز و اسباب موافقت بر ساز آغاز باشد و ثمر این یکجبهتی و مهربانی بر اولیای هر دو دولت ظاهر و مقصود خاطرها حاصل گردد. سزاوار رسم دوستداری چنین است که گاه بیگانه خاطر دوستان را از وصول نامه های دوستانه خوشوقت سازند. ایام سلطنت و کامکاری مستدام باد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نامه فتحعلیشاه به لوئی هجدهم^۱

آغاز هرذکری که برزبان ناطقه آید، انجام هر فکری که مشاطه خیال
چهره حسناى مقال بدان آراید، سپاس خداوندی است یکتا و حکیمی است بیهمتا
که امتزاج کیفیات و ازدواج عنصریات باهمه تباین تر کیب و تضاد طبیعت چندان
خاصیت اتحاد رابطه انسداد داد که بیکر لطیف چون خلقت شریف انسانی
آراسته عرسه وجود آمد که مسجود ملک و مقصود فلك گردید. سبحانه و تعالی
شأنه و عظم سلطانه. درود نامعدود بر پیام آوران و فرستادگان پیش و رهبران
پاکزاد و پاکیزه کیش که به تو اتر رسالت و تو اتر بلاغت مخبر ربط اول و آخرند،
شارع مسلك باطن و ظاهر مظهر برهان دلیند، مفسر آیات فرقان و انجیل
علیهم صلوات الله الملك الحبيب، از آن پس هدایای بهیه محبت و اخلاص که از
بسط مرکز دل به حمل مطایای و هم مرحله ییما بمنزله قبول و موقف شهود
تواند رسید معروض پیشگاه حضور همایون پادشاه ذیجاء فلك خرگاه انجام
سپاه خورشید سایه جمشید پایه دوست نواز دشمن گداز ظلم سوز عدل اندوز، قبضه
شمشیر سطوت و دلیری پنجه ساعد کشور کشای ملک گیری نظام بخش اقطار
ممالک امن ساز شوارع و مسالك خوف پرداز مهالك طراز دانش و فرهنگ زیباکلیل
داد رنگ برجیس عتاب بهرام چنگ فلك شتاب وزمین درنگ محسود دشمنان
مقصود دوستان شاهنشاه سپهر گاه بلند بارگاه سترگ ایمپراطور بزرگ
حکمران ممالک فرانسه و ناوار، تادردیر مسدس جهان راهبان چرخ طیلسان

۱- برگ ۵۸ و ۶۸، اسناد و مکاتبات سیاسی ایران در بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه

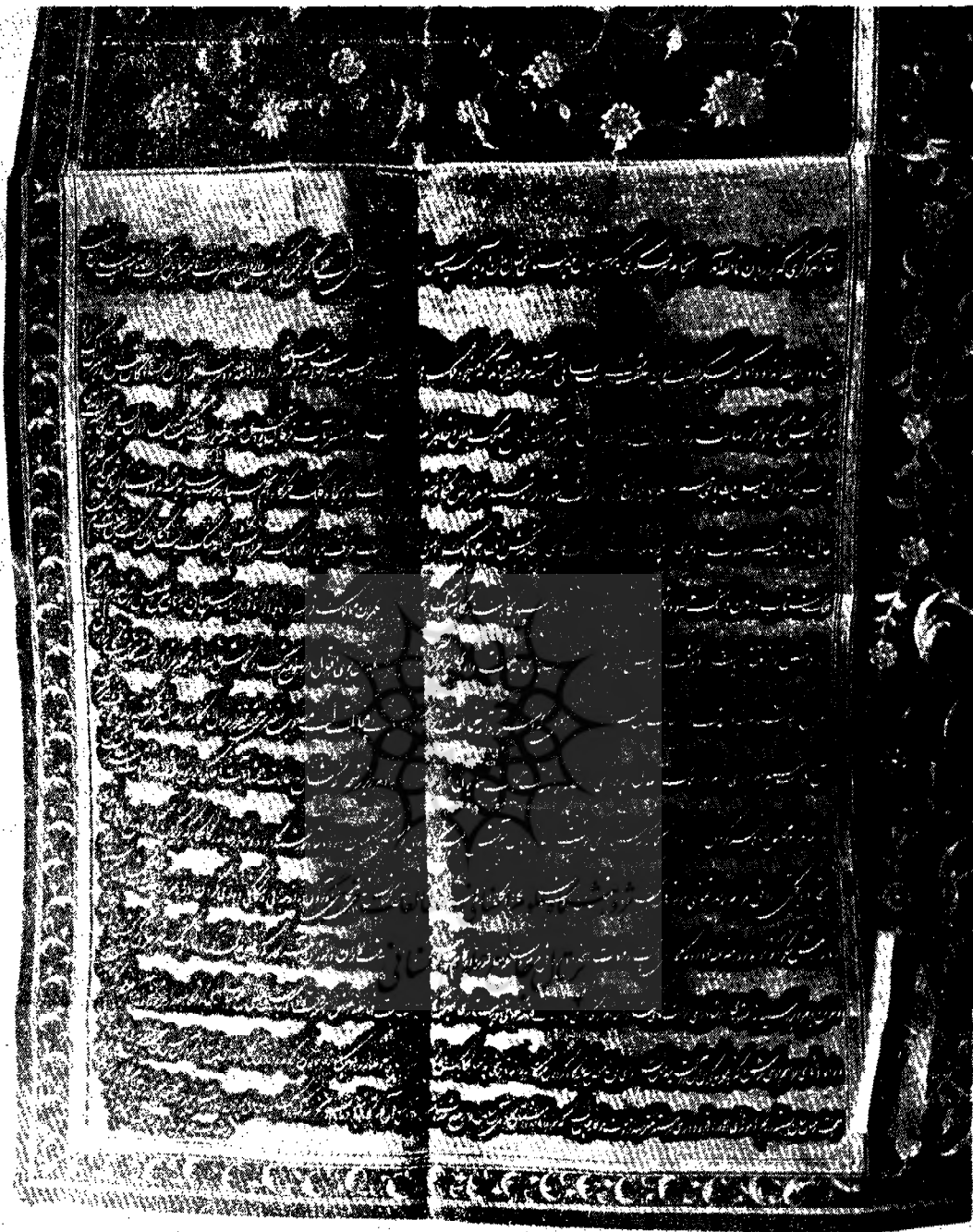
نوش ظلام و زنار بند مجره و ناقوس نواز عقد تریاست دیر بخت و جاهش از قرنم اذکار مزبور دولتیاری به نعمات داودی بر آواز و شاهد مسلسل موی عنبرین اقبال در سوامع تخت و گاهش غالیه نور و حجله طراز باد داشته بخامه راست نگار بر اوراق خلوص نگاشته هر چند در این مدت نه از جانب این مهرجوی ذریعه- الخلوص که دستور قواعد مخالفت و ترجمان اسرار محبت و مخالفت است مصحوب سفیری خجسته تقریر مرصول پایگاه سریر عدل نظیر گشته و نه از طرف باهر الشرف آن آفتاب سپهر سروری و سرور ملک عدل پروری در تصدیر التفات نامجات همایون از رشحات خامه گوهر ریز رشحه که شارح حالات خجسته آیات و حاکی بر رجوع خدمات و فرمایشات باشد نظارت بخش حدیقه مرام مخلص صافی ضمیر گردیده و اما از آنجا که بدستیاری خواست خداوند بیچون آمیزش و دلبستگی و مهر جوئی و پیوستگی میان دو پادشاه خورشید گاه و دو شهریار جهاندار کامکار که برگزیده کرد کارند رخ داده در های اتحاد و یکجبهتی بر وفق مرام بهر چهره تمنای هواخواهان گشاده بر امثال این دوستان بگاہ بگاہ لازم میدارد که سپاس بخشایش خدای بجای آوردن و از جدائی و بیگانگی دوری کردن و راه مراودت کشادن بهتر و پسندیده دارد و مایه آرامش لشکر و کشور خواهد بود ، المنه لله الودود که مجاری اوقات و مهمات این حدود بر وفق مرام و ساغر تمنای لبریز باده کام، چندی پیشتر که چند تن از خدمتکاران دانشوران سرکار که از فیض خدمت آن پادشاه نیک اختر حرمان گزین گشته وارد ایران زمین و برین بوم و بر رسیدند بمقتضای ارشاد رأی ارادت نمای ایشانرا نزد خود نگه داری و در هر باب لازمه مهربانی و پرستاری بعمل آورده بدین جهت اظهار عهد و خلوص را وسیله دست داده که بار سال فتح الباب سبلی در پیشگاه حضور باهر النور نموده آمد بناء علیه فرزانه کار- آگاه عارف پر شیوه و راه دانای مراسم موسی بر اشن که از جمله چاکران آن دولت سپهر بنیان است برای ابلاغ خلوص نامه بیار گاه گردون خر گاه روانه تا برخی پیغامها یکایک ابلاغ سازد و سیار شهای خلوصانه را هر یک در بزم همایون باز گوید و از زبان آن یگانه دوران پاسخ باز آورد، ازین پس این محبت پیشه نیز پیروی خداوند خویش زناز محبت بر میان جان بسته داریم و بایوفدهای

ارتباط از قیود دوری رسته مترصد از توجهات ملوکانه چنان است که هرروزه از داستان کارهای آن سامان و از جاع خدمات بفرستادن فرستادگان کار آگاه، آگاه فرمایند و راه را بسیار نخوانند که بانزدیک بودن دل بیمودن راه دور آسان نماید، همواره مخالفان مقهور و هواخواهان مسرور، کارها از هر سو بر وفق مرام و مقاصد مهمام پذیرای صورت انجام باد.

«محل مهر فتحعلیشاه»



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نامه عباس میرزا ولیعهد به ناپلئون^۱

داوردانا، زورمند توانا پادشاهی است که بقدرت بالغه ازل هست از نیست
آفریده و بقوت کامله لمیزل بسیط افلاک بر گرد کره خاک کشیده بهر کیشی
پیغمبری درست اندیش فرستاده و بهر ملکی ملکی را تاج و افسر داده و بر
همگان قادر و فایق، بر همه سابق و از همه لاحق. حمدش واجب بر همه کس
شکرش لازم در هر نفس. مقصود از کعبه و کلیسا، معبود عابد و ترسا، از همگان
بی نیاز و بر همه مشفق از همه عالم نهان و بر همه پیدا. لاتعد کرائم افضاله و لاتحصی
مخایل جلاله. از آن پس که نسیم دلاویز کلک گوهر بیز غنچه‌های دلارای شکر
و ثنا را بر گلبن بیان حقیقت نما شکفتگی و نما بخشد عندلیب جانفریب زبان
بمنطقی فریبنده تر از تاب سنبل شاداب و نر کس نیم خواب در گلزار ثنای
خدیدو کشور گشاملك ملك ستا جهانجوی جهاندار مظهر صنع کرد کار اسکندر
خصال فیلقوس بادانش و هوش افراسیاب سخت گوش لنگر سینه جلال گوهر
محیط اقبال بدر فلک شهریاری صبح افق قاجرداری شمع بزم افروز انجمن
سروری، سر و سرافراز از بوستان برتری، داور قوی، بخت عدو بند خدیو آسمان تخت
زورمند، صدر نشین ایوان و فا جرعه نوش بزم صفا خسرو نصرت یاب دولتیار
سایه مبسوط آفرید کار ایمپراطور افخم عم کیوان قدر انجم چشم دام اقباله
نغمه سنج و زمزمه ساز و بدله گوی و ترانه پرداز میگردد که چون صفای خاطر و

۱- جلد ۱۷؛ برگ ۷۵- به تاریخ ژوئیه ۱۸۰۸ اسناد و مکاتبات سیاسی ایران
در بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه

فواد ووقاق دوشو کت ابد بنیاد مقتضی آن است که همواره ازدوجانب همای عزم سفراء سخن پرداز و درهای مراسلات مطابقت طراز باز بوده امنای حضرتین ومشیران شوکتین از کار و کردار یکدیگر قرین آگاهی و استحضار باشند و بملاحظه این حسن دوستی و ولاهر گاه بریدی عازم آستانه دولت علیا شده طایر دل بشوق استکشاف اخبار بهجت آثار آندولت پایدار بال افشان گردیده وضمیر هوش ربای بلبل شوق از شاخسار ضمیر بگوش زمزمه سروش رسیده لهذا در این اوقات مشحون بمسرات که حامل نامه موافقت ختامه میان بیندگی حضرت بسته وطریق مسارعت گشاده داشت خامه اشتیاق نیز بامداد مداد و داد بر اوراق این مراسله الوفاق مختصر مراسم شوقمندی را باطیب عبارات و احسن اشارات واتم معانی و اخص الفاظ نکاشت و نقاب احتجاب از رخسار حسناى مدعا فرو گذاشت بمیامن تأییدات آفریننده خورشید و ماه بخواست دل مهر پرور آنخسرو کیوان پایگاه روز کار فرخنده آثار این دولت پایدار بکام وهمه مهام ملکى وملکى بروفق مراد ومرام می باشد و اگر چه آلات و ادوات قهر و نکال عسا کروس بروجه دلخواه میسر ومقدور گشته و سواران بهرام سوز و پیادگان آتش افروز سپاه ظفر همراه نیز بمقتضای غیرت ومبتغای حمیت چون شیران نروپلنکان کینه ور در دامن همت بر گمر زده مترصد و منتظر میباشند که مجرد آنکه اشاراتی اظهار شود اقدام بکار بکار نمایند وبدم تیغهای تیز و خنجرهای خونریز و توپهای البرز کوب آیت رستخیز ظاهر وآشکار دارند، لیکن چون میان دولت دائمةالقرار فرانسه وروس سازش و التیامی استقرار یافته ومیان ایندولت علیه ودولت انگریز بنا بر دوستی دولتین فرانسه وایران آتش دشمنی و عناد بالا کشیده وباینمراتب اکنون کاوش با آنها اولی مینماید اولیا این دولت جاوید بناحالی در مجادله باروسیه تأملی دارند تا بعدها که از طرف مستلزم الشرف آنخسرو انجم سپاه نظر بمهدنامه مهموره میانه دولتین خبری محقق رسد بآنچه آن خدیو نیکونهاد بنا و بنیاد گذاشته باشند از آنقرار معمول دارند، بالجمله اکنون بمیامن اهتمام آنخسرو گردون احتشام رزم پیادگان مریخ انتقام فرانسه در عسا کر ظفر شعار ایران انتشار یافته و از عالیجاهان صداقت آگاهان موسی لامی و موسی و رویه در اشاعه و تنظیم

نظام مزبور جهد موفور به ظهور رسیده و یقین کامل حاصل است که اگر باز میان عساکر ایندولت و سپاه روس درهای جنگ و جدال باز شده کار به پیکار انجامد در همان حمله اول از صدمت شیران حمله ور و هزبران پر خاشخیر روسیه پریشان و مستأصل و گرفتار دام اجل گردند و اگر بنا بر شرط و عهد آنخسرو و همایون مهد دشمنی ایران و روس بدوستی مبدل و کاوش با آنها بسازش محول گردیده مبارزان فیروزمند ایران را از کار جنگ باروسیه فراغی حاصل باشد باز آثار مهابت و مردانگی و شجاعت این لشکر در جنگ دیگر دشمنان دولتین ظاهر و جلوه گر خواهد شد و در هر حال خاطر آفتاب مظاهر آن عم فرخنده مآثر از حسن تجلد و دلوری ایشان باتم و جوهر خشنود خواهد گشت و صداقت آگاهان زبده الاقران موسی لاهی و موسی وردیه و سه نفر و کیلان که همه کردار ایشان در این مدت مقرون بصواب و موافق رضای خاطر اولیاء ایندولت ابدانتساب بوده مورد نوازش آنخسرو کامیاب و بمنصبی تازه مخصوص خواهند شد. تمنا [دارد] از شرح سیاح قلم عطوفت رقم بوستان آمال دوستان رانازه و خرم سازند. تانیر و ناهید و ماه و خورشید درخشان است اختر دولت از مطلع کامرانی درخشان باد.

«در بالای نامه محل مهر عباس میرزا»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

نامه عباس میرزا ولیعهد به ناپلئون ۱

بر آئینه رأی جهان آرای خسرو مملکت فزا، خدیو کشور گشا، فیلقوس
 بسادانش و داد، اسکندر برقر منش زمین قرار آسمان مدار کیوان دژ مشتری
 سیر مریخ مخبر آفتاب موهبت ناهید عشرت عطار درقم ماه علم انجم حشر
 ثریا فسر، لنگر سفینه جلال، موجه لجه اقبال روزگار نایبه تاب داور کامیاب
 یگانه دهر و دور ایمپراتور نیکو اطوار عم تاجور همایون اختر دام اقباله
 منطبع و مرتسم میدارد که چون باراده داور بیچون از بدو دوستی این دو
 دولت روز افزون تا کنون همواره بر مراتب مطابقت افزوده بینهما مودت باطنی
 بی اختیار ظاهر میگردد در این اوقسات بهجت نشان و زمان سعادت اقتران
 که فطانت پناه کیاست همراه زبده الاکفا والاشباه موسی وردیه روانه آستانه
 شوکت عظمی بود اظهار موآلفت را بهانه رونمود و بتحریر این موقیعت نامه
 پرداخت و چون مشارالیه در اوقسات توقف اینجودود مجاهد موفور در تعلیم
 وتنظیم سربازان این دولت بظهور رسانید و تلافی خدمات او موقوف بشمول
 عواطف بینهایت اعلیحضرت ایمپراطوری است لهذا توقع از کرامت اطوار
 شاهانه چنان است که مومی الیه را بنیایتی خاص مخصوص دارند و این نیازمند
 را نیز بمقتضای ملکات شاهانه از ارسال نامهای همایون ومژده فتوحات لشکر
 نصرت نمون مسرور و خرسند دارند. تا انجمن سپهر آراسته بماده ومهرست همواره
 مراد خاطر خلت ذخایر مدار دور سپهر باد در پشت نامه محل مهر عباس میرزا

نامه عباس میرزا ولیعهد به ناپلئون^۱

منت خدای را عز و علا که هر چه هست از گاه الست دست اطاعت بعهد عبادتش داده و ذوات ذرات از بالا و پست کردن طوع بطوق عبودیتش نهاده دارند گان عهدش را از درستی و عدش عیشهای مهنا آماده و مهیاست و پذیرند گان پیمانش را از ترادف احسانش تراید دولت و نعم بیمنتها ، بهردینی پیغمبری امین فرستاده و بهر ملکی ملکی با تاج و نگیں ، دالها را از او علاقه الفت است و جانها را از او پیوند محبت . رستگاری ده راستکاران ، فزونی بخش درست گفتاران ، دانای هر بنهان و پیدای ، پدید آرنده ارض و سما ، اول او اول بی ابتدا ، آخر او آخر بی انتها ،

نیست خدائی بجز او بی نیاز
 اوست خداوند خداوند ساز
 بر مرآت پاک و صفحه تابناک ضمیر منیر پادشاه کشور گیر ، ماه افسر کیوان سریر ، مجره کمند ثریا علم ، آسمان موکب انجم حشم ، پناه با احسان معبدو جلال دریای طوفان زای نجد و اقبال ، برنس^۲ افزا دیر نیالت و برتری ، صلیب آویز جیب جلالت و سروری ، آفتاب مشرق دولت تاجداری ، سایه خورشید شہامت و شهر یاری ، خسرو خصم انداز خدیو گردن فراز ، اسکندر جهان گرد ، دارای پسندیده عهد ، ایامر اطورا عظم نامدار عم اکرم کامکار که همواره مظهر و دولتیار باد منطبع و مرتسم

۱ - جلد ۱۷ ، برك ۸۳ . - اسناد و نامه های سیاسی ایران در بایگانی وزارت امور

خارجہ فرانسه

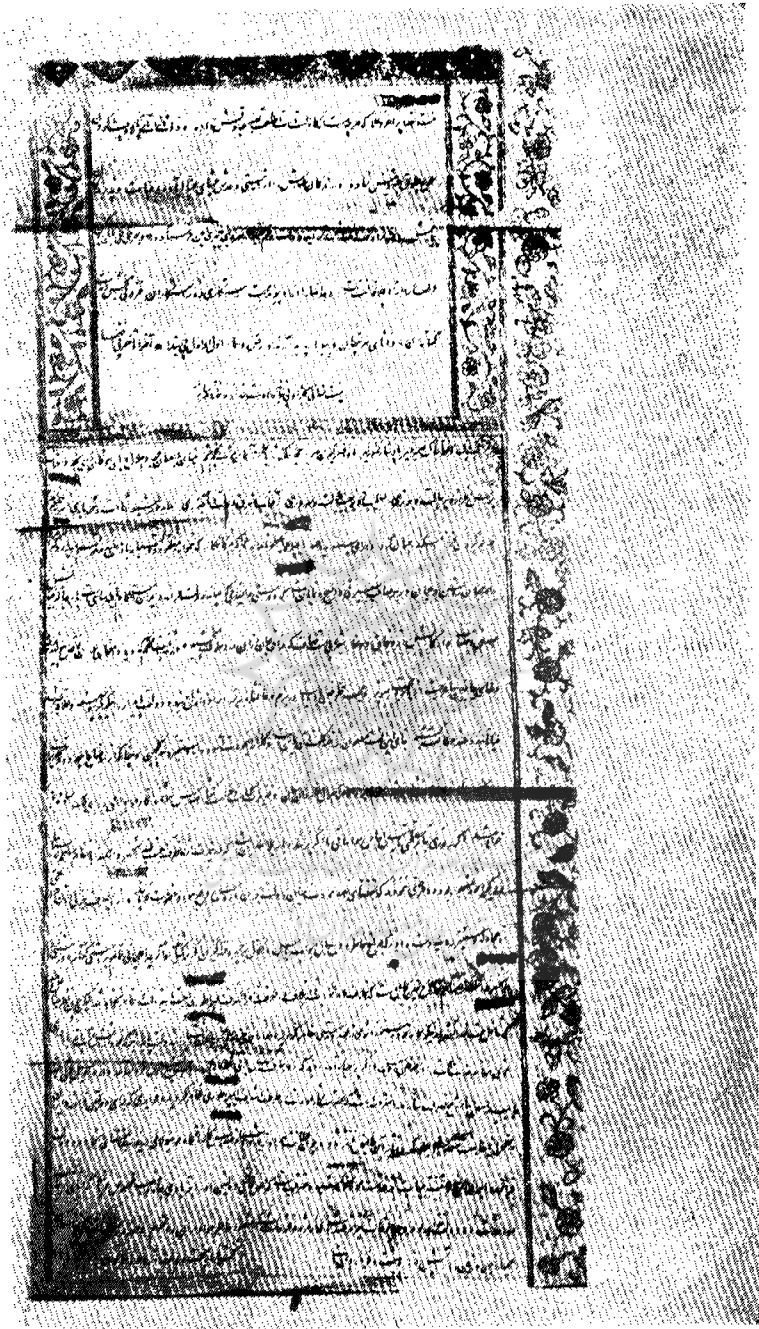
۲ - بضم با و نون بمعنی کلاه درویشی و رهبانی

میدارد که امروز بر همه جهان روشن و عیان و بر هر صاحب بصیرتی واضح و نمایان است که دوستی و التیامی که میان دولت فرانسه و ایران استحکام یافته اساسی است پابرجا که بنیانش از صدق و صفاست و ارکانش از وفای و وفای شرابی است صاف که مذاق جان از آن درد خلاف بخشیده و رشته ایست محکم که دیده امتحان در آن نقص پیوند ندیده دل های جانبین ساغر است از باوه محبت لبریز و محبت طرفین باده ایست در بزم و فانی شاه ریز اراده ازل این دولت پایدار بیکدیگر پیوسته و علاقه لمیزل میانه این دو عقد مطابقت بسته بنای این الفت مصون از رخنه کلفت آن و این است و گلزار این مودت آسوده از دستبرد هر کلچین و چنانکه از اوضاع این حدود و تحریرات مجددت و نجدت پناه نبیانت و جلالت انتباه الاختبار الاکابر و الامراء جنرال غاردان خان و تقریرات کیاست و فراست اکتناه مهندس هوشمند آگاه موسیو لامی بر رأی ملک آرا معلوم و هویدا خواهد شد، اگر روزی بنا بر مصلحتی تأسیس اساس مواساتی با انگریز شده باز بملاحظه این است که از آن طرف همت بلند آن خسروارجمند بانتظام مناظم اسپانیا و دیگر امور مقصور بوده و فرصتی ننمودند که بمقتضای عهد مودت میان دولت ایران و روس دفع مواد خصومت فرمایند و از این طرف نیز الی الان فراغتی از مجادله و ستیز روسیه دست نداده که بفراغ خاطر و وسع بال ابواب باس و نکال بر چهره فتنه انگیزان انگریز گشایند و اگر چه اطمینانی تمام بر استی گفتار و درستی کردار آن خسرو اسکندر احتشام حاصل و یقینی کامل است که خلاف عهد مودت و ایتلاف از طرف زاهر الشرف ایمپراطوری نسبت باین دولت ظاهر نخواهد شد لیکن چون بمشاغل چند که شاغل همت بلند آنشهریار نیکوکار بوده هنوز اثری از عهد دوستی ظاهر نگردیده، سواران جرار و سر بازان آتشبار این دولت پایدار نیز که نمودار آتش و آب اند بادهای قوی حفظ سرحدات مملکت را از تعرض روس و انگریز مهیا و آماده اند که از هر طرف آتش بلائی شعله ور گردد بآب تیغ آتشبارش فرو نشانند و از هر سو سیل بلائی منحدر آید باسد آهنین حسامش متصرف سازند و مترصد است که عنقریب آثار مودت از طرف اشرف ایمپراطوری ظاهر گردیده فوایدی که برای

دولتین فرانسه و ایران در ضمن این مطابقت متصور است جلوه گروآنارآن
 فایض و منتشر شود و چون فطانت همراه زبده الاشباه مهندس کار آگاه موسیو
 لامی در این مدت بمقتضای اتحاد دودولت فرانسه و ایران رنج و مشقت بینهایت
 در خدمت معموله بخود کشیده مترقب است که محض یگانگی دولتین او را
 بزیادی جاه و منصب مخصوص فرمایند که نشانی از غایت مواحدت دو دولت
 خواهد بود و همه اوقات نیز مترصد است که از مزده فتوحات لشکر منصور
 خاطر هواداران را خرم و مسرور سازند . تا آسمان محیط زمین را آرایش از
 اردیبهشت و فروردین است تخت فیروز بخت دولت از وجود همایون با تزیین باد.

«دربالای نامه محل مهر عباس میرزا»





شماره ۹ - نامه عباس میرزا به ناپلئون در سال ۱۸۰۹ - برگ ۸۳ کتاب ۱۷

نامه عباس میرزا ولیعهد به ناپلئون ۱

متعالی از ادراك عقول و منزله از دریافت اندیشه و اوهام ذات قدس مالك الملكى است یكگانه عظم شانه و بهر برهانه كه اقتضای حكمت بالغه و استدعای عنایت سابقه گوهر گرانمایه وجود شهریاران بلند پایه بحر ابداع و لجه اختراع بساحل شهود آورده واسطه عقد جمعیت امم و رابطه نضد فراید افراد بنی آدم بود و آفتاب ذات سایه كستر ایشانرا در سایه ذات آفتاب پرور خویش چون گوهر در صدف و اختر در شرف پرورد و از موافقت ایشان ابواب امن و امان بر جهره جهان و جهانیان كشود. غبار فتنه و آشوب از روی عالم سفلی كه منبع تباین و اضداد است بآب تیغ صولتشان فرو نشانید و كلهای خیر و صلاح از شور زار جهان كه نبت شر و فناس است باهتر از صباء معدلتشان بردمانید. نهانخانه اسماء و صفاتش راه خیال بسته و بردامن پرده جلالش كرد زوال نشسته. مبدع مبادی جود مخترع ذات وجود،

خداوند كیهان و گردان سپهر فروزنده ماه و ناهید و مهر
نیاز بزرگان كردن فراز ز كردن فرازان همه بی نیاز
و درود و آفرین فراوان بر روان پاك و گوهر تابناك تاجداران اقلیم پیش
و شهریاران كشور آفرینش پیغمبران راهنما راهنمایان كره گشا تا ماه و
خورشید بر فلک تابان و تیر و کیوان فروزانست باد، و بعدلالی متلاسی
دعوات صافیه كه گوش شاهد و داد را به نیکوترین وجهی آراید و روایح

تحيات و افیه که مفرح دماغ موافقت و صفا آید تحفه بزم ارم نظم پادشاه کیوان گاه فرقد قدر کردون صدر بهرام رزم ناهید بزم خورشید افسر ستاره لشکر دشمن مال فرخنده مال، فروزان بدر سماء سماحت و شهر یاری در خشان گوهر بحر جلال و تاجداری فرازنده رایت شهامت و دلیری برازنده اورنگ سلطنت و جهانگیری پایه ده دست جلال، پای نه مسند اقبال زینت بخش تاج و تخت فرخنده بخت مظهر قدرت یزدانی رکن مشید جهانبانی لازالت رایات عزایمه بریاح الظفر منشوره و ریاض ممالکه بسجال الافضال مغموره ساخته صورت دعا را بر آئینه رای ملک آرا منطبع و مرتسم میدارد که از دیر باز تا کنون که روز کاری دراز است در هیچگاه میانه فرمانروایان ممالک ایران و فرنگیس امری مخالف رسوم و داد روی ننموده و درین عهد فیروز مهد که خاتم دارائی ایران بر کف دریا کفایت اعلی حضرت پادشاه جمشید جبه سلیمان احتشام کیخسرو مقال فریدون مرتبت سکندر نکین شهر یار بهمین وقار سایه رحمت کرد کار شاه بابا ام اعلی الله لو آدولته مفوض و زمام مهم فرمانروائی فرنگیس بآن برازنده تاج و نکین مسلم گردیده روز بروز بر موافقت جانبین افزوده است و با آنکه در این سنوات کار گزاران دولت انگلیس از آمد و شد ایلچیان با اولیای این حضرت اساس الفتی تاسیس کردند که شاید باین تبلیس رخنه در ارکان موافقت دولتین ایران و فرنگیس حاصل آید باز از طرف مستلزم الشرف اولیاء دولت علیه رعایت شرایط مواحدت با آن شوکت بهیه مرعی و مرجح افتاده بلکه در این اوان که خصوصت میانه کار گزاران دولت روس و کار فرمایان این شوکت ابد مانوس بوقوع پیوست بحکم آنکه دوست دشمن دشمن دشمن دوست است دشمنی امنای این دولت با روس و دوستی کار گزاران انگلیس با آن گروه منحوس باعث مزید اعتماد امنای این شوکت بدوستی و داد کار پردازان آن دولت گردید و انشاء الله الرحمن فواید این یکسرنگی و مواحدت روز بروز بر مملکتین عاید خواهد شد و چون در این اوقات فیروزی علامات بمسامع اولیاء حضرت بهیه رسید که امنای آن دولت لشکر های جرار بممالک روس کشیده و برخی از ولایات آنجا را بقهر و غلبه متصرف گردیده اند از استماع این خبر بهجت اثر خاطر مهر پرور باقصی الغایه مسرور و مستبشر

شد و بمقتضای مودت جانبین صورت ایند معنی بر صحیفه ضمیر نقش پذیر آمد که غرض کار فرمایان آندولت از این لشکر کشی و دشمن کشی ادای شرایط دوستی با اینطرف بوده است و اگر چه از طرف کار گزاران آندولت نوید این فتح نامدار باولیاء دولت جاوید قرار اظهار نشده بود لیکن تقدیم مراسم تهنیت را بترسیم این صحیفه الوداد پرداخت و روانه دربار شو کتمدار ساخت بحمدالله و المنه چنانکه از آنطرف لازمه قتل و غارت دربارۀ دشمنان دولتین بعمل آمد در این ایام ظفر فرجام که اشپخدر سردار لشکر روس غافل از آنکه سر خود را بر سودای تعرض خواهد نهاد با گروهی انبوه از طرف خشکی و جمعیتی بی نهایت نیز با کشتیها از روی آب آهنگ ستیز و از جانب بحر و بر آتش شور و شرتیز کردند از این طرف نیز دلاوران ضرغام صولت بسان سیل دمان و قضای ناگهان بجانب ایشان روان گردید و از حصول تلافی که رایت جدال افراخته و آتش قتال افروخته بر ساحل بحر نهری از خون روان و بر روی هامون از کشتهایشته نمایان. اشپخدر با گروه بیحد و معرض تیغ آبدار مبارزان شیرشکار و جمعی کثیر نیز گرفتار قید اسار و بقیه السیف قرین خذلان و خسار، از روی بحر پی سپر طریق فرار گشتند و بغیر معدودی از ایشان که راه گریز برایشان بسته و محافظت جان رادر حصار گنجه و تفلیس نشسته اند دیگر نشانی از ایشان در اینحدود و سامان نیست و نظر باینکه عسا کر منصوره آندولت حال نیز در ولایات روس متوقف و مترصد ستیز و آویزند و مبارزان خصم انداز ازینطرف نیز در این سرحدات باتیغهای آخته رایت کینه جوئی افراخته اند سزاوار آن است که اولیای آندولت در درتعمیم عزیمتی که تصمیم خاطر کرده اند کوشیده کار دشمنانرا ساخته و خاطر از مهم ایشان پرداخته دارند و هر گونه امری که انجام آنرا در عهده اهتمام کار پردازان ایندولت جاوید فرجام مناسب دانند رجوع فرمایند که ازینطرف بهیچوجه مانع و عایقی در شروع بکار پیکار نیست و چون ایند معنی نیز سامعه افروز اولیاء اینحضرت گردید که درین اوقات که کار گزاران آندوکت رایت عزیمت بولایات روس افراشته وایشانرا از تعرض سرحدات ممالک ایران ممنوع داشته بودند جواب ایشان این بوده است که ممالک گنجه و گرجستان را از اولاد ارکلی خان والی گرجستان و جواد خان حاکم گنجه خریده و بدانجهت متعرض گردیده اند، اولاً اینکه طایفه مزبوره بخلاف واقع و محض

تهمت و مخالف قانون رای و رؤیت است و بر فرض وقوع بر هر صاحب بصیرت بیدیه عقل روشن و مبرهن است که مبیعه ملک بامالک است نه بازار عو و دشتبان و اختیار کله با صاحب اسب نه باشبان و قطع نظر ازین مراتب هر بیعی را بهائی لازم و سزا و بر همه دور و نزدیک ظاهر و هویدا است که بهائی که در ازاء این معامله ادعائی باولاد ار کلی خان و جوادخان رسیده همین است که گر گین پسر بزرگتر ار کلی خان از جام قهرایشان شربت زهر چشیده و جواد خان حاکم گنجه از تیغ بیدادشان ساغر مرگ کشیده و بقیه اولاد ایشان برخی در ولایات روس محبوس و بعضی دیگر از خانه و وطن و محل و مسکن نومید و مأیوس معتکف این آستان شرکت مأنوس اند.

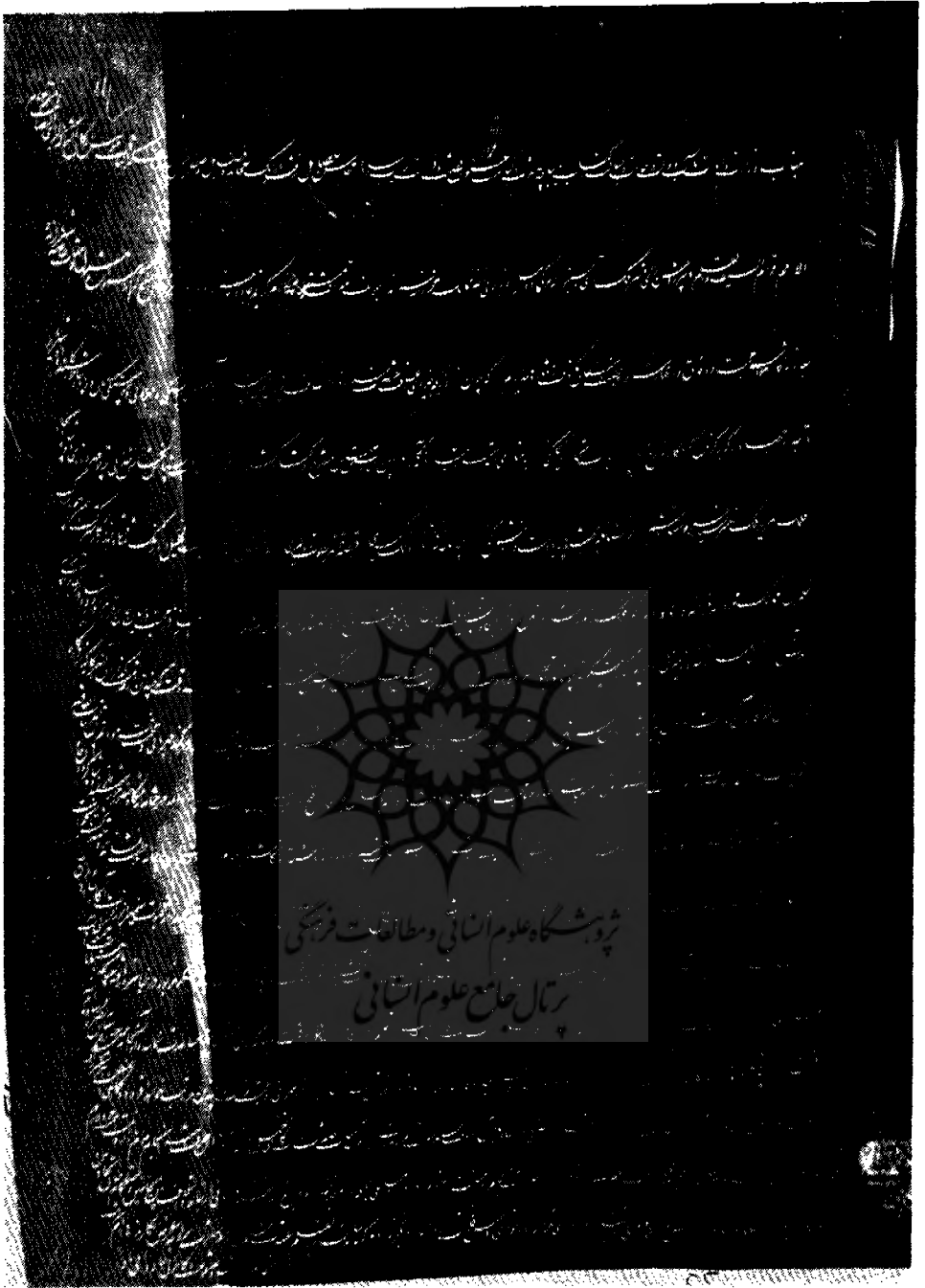
اگر چه بعنایت الله و تائیده تیغ ستمسوز و خنجر برق افروز دلاوران فیروز در طری این دعوی برهانی قاطع و آیتی ساطع است و عنقریب جواب ادعای باطل و افترای بیحاصل ایشانرا خواهد داد اما تمنا آنست که کار فرمایان آن دولت بملاحظه موآنست جانبین کیفیت این افترا و بطلان این ادعارا بر پیشکاران هریک از سلاطین سکندر تمکین ممالک فرنگ که با امناء آن دولت رابطه دوستی و الفت داشته باشند مکشوف دارند تا اولیاء اینحضرت در تلافی اعمال ایشان نزد فرمانفرمایان آفاق بهمت ستیزه جوئی و نفاق و شکستن عهد ایتلاف و تجاوز از سنن اسلاف که مخالف سیر و سلوک داد گستری و منافی رسم و آئین شهریاران عدل پرور است منسوب نگردیده معلوم همگنان آید که مبادرت بخلاف از طرف ایشان بوده است و هر گاه امناء آن دولت را ممکن شود که در این باب از کار گزاران شهریاران با فرهنگ ممالک فرنگ که با ایشان الفتی دارند حجتی مسجل مهور مبنی بر بطلان حجت ایشان صادر نموده ارسال نمایند نهایت محبت و و داد و غایت یکریگی و اتحاد خواهد بود. ترقب از مخایل صفات و محامد اخلاق خسروانه چنان است که همه اوقات از بهارستان و مودت و موالات رایحه بخش و دماغ موافقت و مصافات بوده از رشحه فشانی نیشان خامه دوستی ختامه طراوت افزای بوستان مطابقت و ولا گردند و بترسیل رسل و رسایل دوستانه مشید به بیانی یگانگی و و داد و مشهد دار کان یک رنگی و اتحاد گردیده بنای موآنست را محکم فرمایند. باقی پیوسته اعادی دولت جاوید مدت مهور و رایت فیروزی آیت در معمارک دشمن کشی مظفر و منصور باد.

نامه شاهزاده محمد علی میرزا
به وزیر امور خارجه فرانسه^۱

جناب وزارت و امارت مآب دولت و سماحت و بسالت اکتساب دیباچه صفوت و کیاست عنوان قطننت و فراستزیم و سواده محاسن خصایل زینت ارایک محامد و فضایل مرصص بنیان الدوله بالفکر الثاقب مؤسس ارکان الشوکه بالرأی الصائب متمم مهام الامم قوام السیف والقلم دبیر روشن رأی مشیر ملک آرای سنیور له مرگمی ده سل^۲ وزیر بی نظیر ممالک محروسه فرانسه بهواطف مترادف مشفقانه و مکارم کرایم جاودانه معزز و مؤید بوده از هر گونه سوانح کرانه همواره مشمول توجهات خاصه شهریارانه باد. بعد از تذکار مراسم محبت و وفاق و اظهار شرط ملاطفت و اشفاق مکشوف و مشهود می داریم که چون از روزی که بنیروی اعطاف حضرت خداوند و الطاف یزدان بی چون و چند آمیزش و دل بستگی و مهر جوئی و پیوستگی میان دو پادشاه خورشید گاه و دو شهریار قاجدار جهاندار که بر گسزیده کردگارند رخ داده و ابواب اتحاد و یکرنگی بدستیاری مقالید تأیید آفریدگار در بین الدولتین علیتین مفتوح و گشاده گشته قطع نظر از مداومت سپاس بخشایش خدائی بر تو مهرورزی پادشاه ذیجاء فلک سریر ملک ضمیر سیاره خدم ستاره حشم، خورشید سایه جمشید پایه دوست نواز دشمن گداز،

۱ - جلد ۱۸ ، بر ک ۵۵ - اسناد و مکاتبات سیاسی ایران در بایگانی وزارت خارجه فرانسه. در ترجمه فرانسوی ، تاریخ این نامه را ۱۸۱۹ نوشته اند.

پنجه ساعد کشور گشائی و ملک کیری ، قبضه شمشیر سطوت و دلیری ، طراز دانش فرهنگ زیب اکلیل و اورنگ ، شاهنشاه بلند بارگاه سترگ ، ایمپراطور بزرگ حکمران ممالک محروسه فرانسه و ناوار که تا فلک را مدار است و زمین را قرار پیشگاه آمالش موقوف مأمول باد ، بنوعی فروغ افروز کاشانه دل مهر منزل گشته که تا مرالدهور والاعصار ز ناز محبت در میان جان برقرار خواهد بود و شاهد ربط و الفت پیرایه آغوش برو کنار . امید از خداوند لمیزل داریم که اینگونه پیوند و ارتباط هر دو دولت روز بروز موجب کسستن امید بدخواهان و شکستن شیشه دشمنان گردد . در چند وقت که چند تن از خدمت گذاران آنسرکار که از درگاه گردون خرگاه آن دولت حرمان پذیرفته وارد این سرزمین بروفق ارادت درون مهر مشحون نواب ما ایشان را در نزد خود نگه داشته و هریک را بهر جهت مشمول هر گونه مهر بانی و محبت فرمودیم ، بدین تقریبات اتفاقیه و تدبیرات حسنه بحمدالله اسباب مرادات فراهم آمده مسببات اظهار عهد محبت را وسیله خیریت دست داده بود که بار سال سفیری فتحالباب سبیلی بدان دولت سنیه نماید و نامه مهر ختامه پیشگاه حضور خورشید ظهور پادشاه گردون جاه مرسل آید ، بناء علیه فرزانه کار آگاه دانای هر شیوه و راه موسی بر اشن^۱ که از مراسم سفارت و راه و رسم رسالت خبیر بوده روانه داشته و بنگاشتن نامه مهر ختامه و رقم این پروانه ملاطفت نشانه پرداخته گشت تا بخواست خدای یگانه سفیر مشارالیه بعد از رسانیدن خلوص نامه سرکار پادشاهی و ملاقات او با آن مهر سپهر دانش و فرهنگ بشرح برخی از رازهای یکجتهی و ایتلاف پردازد و آن دستور فطانت گنجور را از مکنونات ضمیر انور نواب ما آگاه سازد و بر آن جناب این معنی پوشیده نماید که در این یکدوسه سال لشکری از اهالی هر کشوری که در قلمرو نواب ما هستند قدری تفنگ و چند عراده توپ بجهت لشکر مزبور در اینجا ضرور یافته چنانچه باهتمامات جمیله آنجناب مساوی دوازده هزار تفنگ با ده عراده توپ و یکنفر معلم که پیادگان لشکر را آداب حرب و قانون جنگ را تعلیم دهد برای لشکریان ما بقیمت و بها که از آن سو مشخص



شماره ۱۱ - نامه محمدعلی میرزا به وزیر خارجه فرانسه به تاریخ سپتامبر
۱۸۱۹ - برگ ۵۵ کتاب ۱۸

می نماید مساعدت نمایند و از آنجا به حمل جهاز و سفاین به بصره فرستاده آید و قیمت او را در اینجا کار گذاران نواب ما به بالیوز آن سرکار که در بغداد اقامت میدارد کارسازی خواهد نمود و ظهور این محبت از آن سو بروفور مهر بانی و محبت نواب ما بچندین مراتب خواهد افزود و گماهی اینمطلب را نیز سفیر مشارالیه بسلك تقریر و بیان خواهد کشید. اکنون که مقدمات کردگار روابط الفت و دلبستگی نواب ما با آن دولت سپهر بسطت مربوط است باید آن جناب صفوت آداب گماهی متحمل برخی زحمات این طرف باشد، انجام مرام را بر ذمت همت خود لازم شمارد و این زحمات و تصدیعات را بمقتضای همت بافطرت خود زودتر صورت انجام و تمشیت اختتام داده و مساعی جمیله را مضایقه و دریغ نداشته در معانی ارتباط و ایتلاف بین الجانیین و استحکام بنیان اتحاد بین دولتین مساعی و اهتمام تمام و کوشش مالا کلام مرعی نمایند، در ادای شرایط دولتخواهی و حسن و فکرت خود را کنار در نگیرند و هر گونه مدعیات را بقلم عقیدت شمیم بی ملاحظه مغایرت بر لوحه عرض نکارند. باقی ایام خیریت انجام وزارت و صفوت و کامرانی جاودانی باد

«محل مهر محمد علی میرزا»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی